

انقلاب اسلامی ایران؛ واژگونی سیاستهای آمریکا در خلیج فارس

هادی الهایی^۱

جواد کاظم‌نسب^۲

چکیده

مقدمه

با برقراری جمهوری اسلامی در ایران، چشم‌انداز سیاستهای خارجی در خلیج فارس دگرگون شد. زیرا ایران پس از انقلاب از حفظ منافع غرب در منطقه طفره رفت و ایالات متحده آمریکا را با مشکلاتی مواجه ساخت. فروپاشی دکترین نیکسون و خروج مستشاران نظامی آمریکایی، قطع روابط سیاسی نظامی و اقتصادی با آمریکا، تصرف سفارت آمریکا در تهران و... همه از جمله مسائلی بودند که پس از انقلاب اسلامی بر علیه آمریکا در منطقه شکل گرفت و آن را مجبور به اتخاذ سیاستهای جدیدی در منطقه کرد. روش تحقیق در نوشتار حاضر توصیفی - تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای است.

این نوشتار درصدد پاسخگویی به این سؤال است: انقلاب اسلامی ایران چه تغییراتی را در سیاستهای ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس پدید آورد؟ در پاسخ به آن، این فرضیه مطرح شده است که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاستهای آمریکا در منطقه واژگون شده و سیاستهای جدیدی اتخاذ گردیده است.

انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه قدرتهای استکباری جهان

سردمداران نظام استکباری حاکم بر جهان و منطقه اسلامی از آغاز شکلگیری انقلاب کبیر اسلامی، همواره تأکید داشته‌اند که تمام دشواریها و مشکلات یا چالشهای آنان در جهان اسلام از این انقلاب ریشه گرفته است و برخی همچون واینبرگر، وزیر جنگ آمریکا در زمان ریگان، آشکارا خواهان خشکاندن ریشه‌های ملت ایران شده‌اند (کجویان، ۱۳۹۱: ۳۲).

یکی از بزرگترین نتایج و پیامدهای بارز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، فروپاشی یکی از هم‌پیمانهای مقتدر ایالات متحده آمریکا در منطقه خاورمیانه بود. ایالات متحده آمریکا با از دست دادن ایران، سیاستهای جدیدی در منطقه اتخاذ کرد که خلاء پدید آمده را پر کند. هدف نوشتار حاضر، بررسی سیاستهای آمریکا در خلیج فارس با تأکید بر سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران میباشد. نوشتار حاضر پس از طرح مقدمه، به بیان انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه قدرتهای استکباری و اسرائیل پرداخته و با بررسی فروپاشی دکترین نیکسون - کیسینجر، خروج ایران از پیمان نظامی سنتو، قطع روابط سیاسی ایران و آمریکا و پیامدهای منطقه‌ای آن را تحلیل میکند. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و موارد مربوط به آن بعنوان اتفاقی مهم در خلیج فارس بخش دیگری از این نوشتار است که در نهایت به این نتیجه دست یابد که ظهور انقلاب اسلامی در ایران موجب تغییرات جدی و عمیقی در مناسبات سیاسی و اقتصادی منطقه شده و آمریکا را مجبور به تغییر خط مشی سیاسی خود در مقابله با وضع موجود کرده است.

کلیدواژگان

خلیج فارس؛ انقلاب اسلامی ایران؛ آمریکا؛ سیاست

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس از دانشگاه شهید چمران، نویسنده مسئول؛ karaarelhaie@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی

حضور فیزیکی و صرف هزینه تأمین میکرد. با پیروزی انقلاب اسلامی این استراتژی در هم شکست (شیرودی، ۱۳۸۳: ۴۶) و برخلاف فلسفه‌یی که پشت دکترین دو ستونی نیکسون، مبنی بر عدم حضور مستقیم آمریکا در منطقه بود، آمریکا در قالب حفظ امنیت منطقه‌یی سعی در تحقق اهداف خود نمود و حضورش در خلیج فارس به نسبت دوران پهلوی افزایش یافت (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۵۷).

خروج ایران از پیمان نظامی سنتو و فروپاشی آن

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، شوروی با یک سد دفاعی مستحکم متشکل از ایران، پاکستان، ترکیه و تا حدودی هم مورد حمایت افغانستان از منطقه دور نگه داشته میشد (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۳۱). پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران طی چند ماه اقداماتی در قبال کشورهای دیگر انجام گرفت که یکی از آنها در زمان دولت موقت، خروج ایران از پیمان نظامی سنتو در فوریه ۱۹۷۹ م. بود. بعد از ایران، پاکستان نیز همین اقدام را انجام داد و بعد از این، پیمان سنتو کلاً از میان برداشته شد (پایمت اف، ۱۳۸۲: ۱۲۴). فروپاشی این پیمان بمعنای شکست دیگر سیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس بود؛ زیرا قبل از انقلاب اسلامی، پیمان سنتو، عمل بازدارندگی نفوذ شوروی در منطقه خلیج فارس بحساب می‌آمد.

تصرف سفارت آمریکا در تهران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی هیچگونه تعرضی به سفارت آمریکا و حتی اتباع آمریکایی از سوی ایران نشد. اما آمریکایی‌ها سفارتخانه خود را به کانون بحران و تشنج مبدل ساختند و تبلیغات وسیعی علیه انقلاب و امام (ره) به راه انداختند و خط مشی خود را حول محور قرار دادن اسلام در برابر آزادی و حمایت از لیبرالها، ملی‌گرایان و غرب‌زده‌ها علیه اسلام متمرکز ساختند. پذیرفتن محمدرضا شاه فراری توسط دولت آمریکا، همچون جرقه‌یی در انبار باروت بود که شعله‌های آن دامان عوامل آمریکا را در تهران فرا گرفت (ستوده و کاویانی، ۱۳۷۹: ۸۱). علاوه بر این، آمریکا از استرداد شاه به ایران برای محاکمه ممانعت کرد. بدنبال این اقدامات، دانشجویان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ه.ش به مناسبت سالگرد کشتار بیرحمانه دانش‌آموزان و دانشجویان

برزنف، صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی، تجدید حیات اسلام را مهمترین واقعه سیاسی قرن بیستم می‌شمرد و انقلاب ایران را تهدید و خطر مستقیمی برای مرزهای جنوبی شوروی میدانست. کیسینجر، طراح معروف سیاست خارجی آمریکا در برشمردن خطراتی که منافع آمریکا را در خاورمیانه تهدید میکند، مهمترین آنها را ناشی از انقلاب اسلامی دانسته و آن را کابوسی برای همسایگانش می‌شمرد (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۸).

یکی از رهبران اسرائیل بنام اوری اونیری، زیانهای اسرائیل در نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی را اینگونه اعلام کرده است: - از دست دادن منبع نفت که در گذشته تضمین شده بود - از دست دادن تنها تأمین‌کننده لوله نفتی ایلات - عقلا - از دست دادن یک خریدار مهم فرآورده‌های صنعتی و کشاورزی اسرائیل

- از دست دادن یک هم‌پیمان مقتدر علیه رخنه‌گری شوروی - از دست دادن یک هم‌پیمان مقتدر در سطح استراتژیک سیاسی در مقابله با هرگونه تسلط عربی بر جنوب دریای سرخ (صفتاج، ۱۳۸۸: ۸).

فروپاشی دکترین نیکسون - کیسینجر

ریچارد نیکسون در ژانویه ۱۹۶۹ م. با دیدگاه‌های بالنسبه متفاوت از رئیس جمهور قبلی بر مسند ریاست جمهوری آمریکا تکیه زد. در همین رابطه از این تاریخ به بعد آمریکا شروع به تحویل مقادیر قابل توجهی تسلیحات متنوع به ایران و عربستان سعودی کرد. نقش ایران بعنوان ژاندارم منطقه تحت رهبری شاه و با حمایت آمریکا در اجرای دکترین نیکسون در خلال دوره ۱۹۷۲-۱۹۶۹ م. اهمیت خاصی پیدا کرد (اسدی، ۱۳۷۱: ۹۲).

دکترین نیکسون در سال ۱۹۷۰ م. اعلام کرد که بجای دخالت مستقیم نیروهای نظامی آمریکا بر حمایت از حکومت‌های وابسته هر منطقه تأکید دارد و در این چارچوب رژیم پهلوی در ایران و رژیم آل سعود در عربستان را برای اجرای برنامه‌های استراتژیک خود در منطقه خلیج فارس برگزیده بود (اسلامی، ۱۳۶۹: ۱۶۲). این استراتژی تا سال ۱۹۷۹ م. / ۱۳۸۵ ه.ش بر منطقه حاکم بود و منافع آمریکاییها را بدون

متحده بود. هیئت وزیران در جلسه ۱۲ آبان ۱۳۵۸ هـ.ش پیشنهاد وزارت امور خارجه در خصوص لغو موافقتنامه همکاری بین ایران و آمریکا مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۳۷ هـ.ش را پذیرفت و به دولت اجازه داده شد که مراتب فسخ را مطابق ماده ۶ موافقتنامه به دولت آمریکا اعلام نماید (صدقی، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

تشکیل نیروهای واکنش سریع

نیروهای واکنش سریع در دسامبر ۱۹۷۹ م. در دوره حکومت کارتر شکل گرفتند و از همان بدو تولد مسئولیت عملیات در خلیج فارس و منطقه آسیای جنوب شرقی را بر عهده داشتند (کور دبیر، ۱۳۶۹: ۱۰۸). مهمترین نقطه عملیاتی نیروی واکنش سریع، منطقه خلیج فارس بود و عمده ترین هدف آن، تأمین جریان نفت برای غرب و مقابله شدید با هرگونه تهدید احتمالی علیه آن بود (امامی، ۱۳۸۹: ۵۹). این نیروها باید دارای آنچنان ظرفیتی باشند که در هر کجا و به هر طریق و هر زمان که منافع آمریکا ایجاب کند وارد عمل شوند (الهی، ۱۳۸۶: ۲۹۶).

روبرت کومر، معاون وزیر دفاع وقت آمریکا، در مورد تشکیل و هدف اصلی نیروهای واکنش سریع میگوید: «...ماهیت تهدیدها در دهه ۱۹۸۰ م. بویژه در خلیج فارس باعث شد که ما این فکر را بهتر و سریعتر به انجام برسانیم» (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۱۲).

نیروهای واکنش سریع شامل امکانات زیر بودند:

الف) نیروهای زمینی

۱. تیپ ۸۲ هوایی
۲. تیپ ۱۰۱ هوای
۳. تیپ ۲۴ پیاده زرهی
۴. هنگ تکاوران هوایی
۵. گروه‌های مختلف رنجر و نیروی ویژه

ب) نیروهای هوایی

۱. اسکادران یکم شکاری f.15
۲. اسکادران ۲۷ شکاری f.111
۳. اسکادران ۳۴۷ شکاری f.4
۴. اسکادران ۳۵۴ شکاری f.15

در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ هـ.ش بدست گارد شاهنشاهی به تظاهرات پرداختند و در ادامه، سفارت آمریکا را اشغال کردند (واعظی، ۱۳۸۱: ۹۶).

اجرای این حرکت سیاسی و غیرمنتظره علیه سفارت آمریکا در موقعیتی صورت پذیرفت که بیش از یکصد تن از زبده ترین و باتجربه ترین عوامل اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا تحت پوشش اعضای سفارت و بهره‌مند از مصونیت‌های سیاسی، با استفاده از پیشرفته ترین شبکه‌های مخابراتی آلات و ادوات جاسوسی تلاش مینمودند ضمن هماهنگ کردن طرح‌های نظامی و عملیاتی در کردستان و خوزستان و تهران و ساماندهی گروهکهای سیاسی مسلح، برنامه‌های از پیش تنظیم شده سازمان جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا را تکمیل کنند (صائبی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). دیگر اقدام غیرمنتظره دانشجویان که توجه جهانیان را به خود جلب کرد، تنظیم اسناد سری و انتشار مطالب محرمانه سفارتخانه آمریکا و در دسترس عموم قرار دادن آنها بود (همان: ۱۳۴). گروگان گرفتن عوامل آمریکایی در تهران و بطول انجامیدن آن بحران به ۴۴۴ روز و گرفتار آمدن هواپیمای آمریکا در طوفان شن طبس، امپریالیسم زخم‌خورده آمریکا را بیشتر تهدید میکرد.

قطع روابط سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران با آمریکا

پس از انقلاب اسلامی، دولت موقت در ۱۸ آوریل ۱۹۷۹ م. تمام قراردادهای سال ۱۹۵۵ م. که طبق آن شرکتهای آمریکایی حق استفاده از ذخایر طبیعی ایران را داشتند لغو کرد. همچنین عهدنامه سال ۱۹۵۹ م. که اساساً در صحنه اقتصاد میان آمریکا و ایران بسته شده بود، لغو شد. همه متخصصان آمریکایی از ایران اخراج شدند و کنسولگری آمریکا در تبریز، شیراز و اصفهان بسته شد (پایمت اف، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

بنا به پیشنهاد هیئت وزیران دولت موقت و تصویب شورای انقلاب اسلامی، قانون مصوب ۲۱ مهر ۱۳۴۳ مربوط به استفاده از مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و فعالیتهای قرارداد وین (کاپیتولاسیون) از تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ هـ.ش لغو گردید.

از دیگر اقدامات دولت موقت در ارتباط با قطع ایادی بیگانگان از کشور، لغو موافقتنامه همکاری بین ایران و ایالات

نفت را به غرب قطع کنند و مهمتر از آن ریگان متعهد شد که از پادشاهی عربستان سعودی درست همانند یکی از پنجاه ایالت خود در برابر حوادث داخلی و خارجی حمایت کند و در هیچ اتفاقی دست بر روی دست نگذارد (افتخارزاده، ۱۳۶۱: ۱۶۳).

تسلیح عربستان

در سال ۱۹۷۹ م ژنرال ارنست گریفز، مقام آژانس کمکهای امنیتی، به همراه هارولد براون، وزیر دفاع وقت آمریکا، راهی عربستان شدند و مذاکرات لازم را برای تجهیز ارتش عربستان از حیث سلاح و آموزش انجام دادند و یک قرارداد ۴/۶۳ میلیارد دلاری منعقد کردند (حافظنیا، ۱۳۷۱: ۱۱۸). در راستای این اقدامات ۶۲ فروند تانکر k.30 و ۵ فروند هواپیمای آواکس از سوی ایالات متحده به نیروی هوایی سعودی تحویل داده شد و همچنین ۶ پایگاه هوایی سعودی بوسیله سکوهایی استقرار موشکهای ضد هوایی هاوک که توسط آمریکاییها ساخته شده حمایت میشوند (کور دیبر، ۱۳۶۹: ۱۱۴).

در دوره کارتر، در سال ۱۳۵۷ هـ.ش یک اسکادران از نیرومندترین هواپیماهای نیروی هوایی آمریکا از یک پایگاه در ویرجینیا به عربستان سعودی اعزام شد. این هواپیماها از نوع بسیار مدرن f.15 بود (کدیور، ۱۳۷۲: ۲۰۱). دیگر اقداماتی که ایالات متحده برای تجهیز و تحکیم ارتش عربستان انجام داد، عبارت بودند از:

۱. برنامه‌های وسیع ساختمانی که زیر نظر ارتش آمریکا است و شامل ایجاد پادگانهای نظامی، آموزشگاهها، بیمارستانها، فرودگاهها، منازل مسکونی و ایجاد اسکله در آبهای عمیق میباشد.

۲. طرح توسعه نیروی دریایی سعودی

۳. طرح پیس هاوک که متضمن ایجاد تسهیلات آموزش افراد و بکارگیری هواپیماهای جنگنده f.15 است.

۴. طرح توسعه نیروی هوایی سعودی

۵. تعلیم افراد، ایجاد سیستمهای پشتیبانی و بخدمت

گرفتن ۶۲ هواپیمای ایگل یا f.15

۶. طرح مدرنیزه کردن گارد ملی عربستان

۷. طرح مدرنیزه کردن نیروی زمینی عربستان که شامل

مدرنیزه کردن دو تیپ پیاده و مکانیزه کردن آنها و مجهز کردن

۵. اسکادران ۳۶۶ شکاری f.111

۶. هواپیمای e.3a/awacs

۷. اسکادران ۱۵۰ گارد ساحلی a.7

۸. اسکادران ۱۲۱ شکاری گارد ساحلی a.7

ج) نیروهای دریایی

۱. سه ناو هواپیمابر با امکانات وابسته خود

۲. کشتیهای جنگی رزم ناو

۳. تعداد ۱۵ اسکادران ضد زیر دریایی و کشتی p.3

۴. رسته‌های تفنگدار آبی - خاکی

۵. تعداد ۱۳ فروند کشتیهای حمل و نقل و تدارکاتی

۶. نیروی چتر باز آبی - خاکی

۷. تیپ هفتم آبی - خاکی (بنجامین، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

تمرکز سیاستهای آمریکا بر عربستان

تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران، استراتژی آمریکا در منطقه خاورمیانه بر دو پایه ایران بعنوان ستون نظامی و عربستان بعنوان ستون مالی متمرکز بود، ولی با پیروزی انقلاب و فروپاشی این دکترین، استراتژی جدید آمریکا فقط متکی بر عربستان شد. عربستان با توجه به دسترسی به منابع و ذخایر عظیم نفت و نفوذی که بر کشورهای کوچکتر خلیج فارس داشت بعنوان کلید منطقه محسوب میشد (الهی، ۱۳۸۴: ۲۷۶). در میان کشورهای حوزه خلیج فارس، عربستان سعودی بدلیل گوناگون در راهبرد آمریکا اولویت داشت؛ این کشور دارای وسعت زیاد و مرز طولانی با خلیج فارس است و در میان کشورهای عربی و مسلمان دارای نفوذ و واجد اهمیت سیاسی بوده و صاحب مخازن عظیم نفت میباشد و موقعیت جغرافیایی آن چنان است که از خاک آن عملیات نظامی بر علیه سایر کشورهای شبه جزیره عربستان و منطقه به آسانی ممکن میباشد (امامی، ۱۳۸۹: ۲۲۲). با توجه به این خصوصیات، استراتژی آمریکا پس از سقوط شاه ایران بر یک پایه و ستون یعنی عربستان سعودی دنبال شد (الهی، ۱۳۸۶: ۲۷۶). رونالد ریگان که در ژانویه ۱۹۸۱ م زمام امور حکومت آمریکا را برعهده گرفت، اعلام کرد که ایالات متحده اجازه نخواهد داد عربستان سعودی یک ایران دیگر شده و مانند این کشور از اردوگاه غرب خارج شود و بدست کسانی بیفتد که میخواهند جریان حیاتی

دکترین کارتر

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سیاست آمریکا در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس برحسب دکترین کارتر ادامه یافت. چهار حادثه مهمی که عامل ایجاد دکترین کارتر گردید عبارتند از:

۱. سقوط شاه ایران در سال ۱۹۷۹ م. پس از ماه‌ها ناآرامی، مهمترین و کارآمدترین ضربه‌یی بود که امنیت منطقه را پس از ده سال آرامش تحت تأثیر قرار داد.
۲. در چهارم نوامبر ۱۹۷۹ م. سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان پیرو خط امام اشغال شد. این عمل ضعف آمریکا را در یک پاسخگویی نظامی به ایران آشکار ساخت.
۳. سومین حادثه، حمله به مسجد بزرگ مکه در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ م. بود. این واقعه آغازگر مباحث فراوانی درخصوص ماندگاری رژیم عربستان شد.

۴. اشغال افغانستان در اواخر سال ۱۹۷۹ م. کارتر را وادار نمود که در خصوص منافع حیاتی آمریکا در خلیج فارس دست به اقدامی جدی و اساسی بزند (بنجامین، ۱۳۸۷: ۱۶۰).

عوامل فوق که نقش انقلاب اسلامی ایران در شکلگیری آنها آشکار است، سبب گردید که کارتر در آغاز سال ۱۹۸۰ م. نظریه رسمی دولت آمریکا را در رابطه با تصمیم این کشور مبنی بر حفظ منافع خود در خلیج فارس بیان دارد که بعداً به دکترین کارتر مشهور گشت:

هر کوششی توسط یک قدرت خارجی بمنظور بدست آوردن کنترل منطقه خلیج فارس، بعنوان تهدید منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا تلقی خواهد شد و با چنین تهدیدی به هر وسیله لازم از جمله توسل به نیروی نظامی مقابله خواهد شد (خدادادی، ۱۳۸۱: ۹۲).

اعلام دکترین کارتر به مفهوم مقابله و دفاع نظامی آمریکا در برابر تهدیدهای خارجی و نشان‌دهنده تصمیم آمریکا برای استفاده از زور جهت حمایت از علایق حیاتی خود در خلیج فارس بود (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۳۰). جیمی کارتر بمنظور نشان‌دادن پایبندی خود به تعهد یاد شده دستور داد هواپیمای بمب افکن سنگین و استراتژیک «b.52» بر فراز خلیج فارس به پرواز درآید (همان: ۴۳۱).

به تانک، خودروهای زرهی، ماشینهای حمل و نقل هوتیزر، انواع موشکها از جمله «ردآی» و «دراگون» و همچنین توپهای ضد هوایی است.

۸. بکارگیری سیستم موشک هاوک برای حفاظت مناطق مسکونی جده، ریاض و مناطق نظامی مشیت، البطین و تبوک (بنجامین، ۱۳۸۷: ۱۱۴-۱۱۵).

عربستان سعودی در سال ۱۹۸۲ م. از نظر هزینه‌های نظامی در رتبه ششم جهانی بعد از شوروی، آمریکا، چین، فرانسه و انگلستان قرار گرفت. این کشور در سالهای ۱۹۸۴-۱۹۸۵ م. حدود ۲۱٪ یا ۲۳ میلیارد دلار از بودجه سالانه خود را برای مصارف نظامی اختصاص داد (سهرابی، ۱۳۶۸: ۳۴۰).

شکلگیری شورای همکاری خلیج فارس

با وقوع انقلاب اسلامی ایران بمنظور حفظ موازنه قدرت در خاورمیانه، سیاست دوستونی ایالات متحده به استراتژی حمایت از دولتهای خلیج فارس تغییر یافت (خسروی، ۱۳۸۷: ۳۳). آمریکا براساس طرح نظام امنیت دسته جمعی با القا و حمایت از تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، دوستان خود را در جنوب منطقه در جهت حفظ علایق خویش گرد آورد و در یک سازمان امنیتی اقتصادی متشکل کرد (اسدی، ۱۳۸۱: ۴۷۴).

در فوریه ۱۹۸۱ م. اجلاس وزرای شش کشور عربستان سعودی، بحرین، کویت، امارات متحده عربی، عمان و قطر در ریاض برگزار شد و در همین اجلاس، وزرای خارجه شش کشور همگی با ایجاد شورای همکاری خلیج فارس موافقت کردند (شهابی، ۱۳۸۷: ۶۴).

شورای همکاری خلیج فارس ماهیتی دفاعی امنیتی دارد و فلسفه وجودی آن احساس نیاز آمریکا و شیوخ منطقه برای حفظ اهداف و موجودیت خودشان در مقابل تهدیداتی است که از سوی انقلاب اسلامی بعنوان یک قدرت نوظهور و در حال گسترش ممکن است متوجه آنها شود و نیز بجهت نگرانی از تجاوز شوروی بسمت جنوب و سواحل دریای عمان و تنگه هرمز و خلیج فارس است (حافظنیا، ۱۳۷۱: ۶۹).

منابع

- اسدی، بیژن؛ علائق و استراتژی ابرقدرتها در خلیج فارس ۱۳۵۷-۶۸، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- _____؛ خلیج فارس و مسائل آن، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- اسلامی، مسعود؛ ریشه‌یابی مواضع و عملکرد کویت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بی‌جا: نشر همراه، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- افتخارزاده، م.؛ انقلاب اسلامی و مواضع استکبار جهانی، قم: نشر روح، ۱۳۶۱.
- الهی، همایون؛ خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس، چاپ نهم، ۱۳۸۴.
- امامی، محمدعلی؛ عوامل تأثیرگذار خارجی در خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
- بنجامین، کوری؛ منافع استراتژیکی آمریکا در خلیج فارس، ترجمه دکتر محمد زمان خدایی، اهواز: نشر معتبر، ۱۳۸۷.
- پایمت اف، لقمان؛ انقلاب اسلامی از دیدگاه محققان شوروی (۱۹۹۰-۱۹۸۷)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- حاجی یوسفی، امیر محمد؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌یی (۲۰۰۱-۱۹۹۱)، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- خدادادی، محمد اسماعیل، مسائل منطقه‌یی ایران با تأکید بر خلیج فارس، قم: نشر یاقوت، ۱۳۸۱.
- خسروی، غلامرضا؛ آمریکا و خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- ستوده، امیررضا؛ کاویانی حمید؛ بحران ۴۴۴ روزه در تهران، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- سهرابی، اسماعیل «علائق استراتژیک و هدفهای آمریکا در خلیج فارس و تقویت نظامی کشورهای عرب منطقه»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- شهابی، سیف‌الرضا؛ دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
- شیرودی، مرتضی؛ مسائل منطقه‌یی ایران، تهران: نشر تحسین، ۱۳۸۳.
- صابئی، محمد؛ ما آمریکا را زیر پا می‌کناریم، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- صدقی، ابوالفضل؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۱۳۶۸، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- صفاتاج، مجید؛ تحولات خاورمیانه پس از انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سفیر اردهال، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
- کجویان، حسین؛ انقلاب اسلامی ایران افتتاح تاریخ: بیداری اسلامی در بهار عربی، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۱.
- کدیور، جمیله؛ رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.
- کور دبیر، شروود؛ نیروهای واکنش سریع آمریکا، ترجمه همایون الهی، تهران: نشر قومس، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- محمدی، منوچهر؛ تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- واعظی، حسن؛ ایران و آمریکا؛ بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، تهران: انتشارات سروش، چاپ سوم، ۱۳۸۱.

دکترین ریگان

رونالد ریگان در ژانویه ۱۹۸۱ م. زمام امور حکومت آمریکا را در دست گرفت. ریگان برخلاف سلف خود، کارتر، بر تهدیدهای داخلی تأکید کرد. دولت ریگان استراتژی کارتر را در مورد امنیت خلیج فارس در چارچوب وسیعتری دنبال کرد (امامی، ۱۳۸۹: ۶۶).

الکساندر هیگ، وزیر امور خارجه آمریکا در دوره ریگان، «سیاست اتفاق نظر استراتژیک» را بعنوان خط مشی جدید سیاست منطقه‌یی آمریکا به شرح زیر عنوان کرد:

آمریکا در آسیای جنوب غربی بدنبال ایجاد اتفاق نظر استراتژیک در میان دوستان خود با توجه به تهدید مشترک شوروی میباشد. ما کوشش میکنیم آنان را متقاعد کنیم که شریک امنیتی توانا و قابل اعتمادی هستیم و درباره دفاع از منافع حیاتی خود در منطقه جدی هستیم (همانجا).

در دوره حکومت ریگان در نقش و مأموریت نیروی مشترک واکنش سریع ارزیابی مجدد شد. مهمترین تغییرات حاصل از ارزیابی مذکور عبارت از تبدیل نیروی مشترک واکنش سریع به «فرماندهی مرکزی آمریکا» بود (اسدی، ۱۳۷۱: ۱۱۷). بنابر ابتکارها و توصیه‌های دولت ریگان، نیروهای واکنش سریع از ۲۲۰/۰۰۰ به ۴۶۰/۰۰۰ نفر افزایش یافت (امامی، ۱۳۸۹: ۶۸).

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا را مجبور به تغییر سیاستها و خط مشی در منطقه کرد؛ سیاستهایی که در دوران حکومت پهلوی، شاه ایران ایفاکننده آنها بود. با تغییر موازنه، ایالات متحده اول، تسلیح کشورهای حوزه خلیج فارس بخصوص عربستان (که از لحاظ نظامی و درآمدهای نفتی بین کشورهای منطقه حائز اهمیت بود) و تشکیل نیروهای واکنش سریع با هدف مقابله با تهدیدات منافع آمریکا در منطقه و دوم، حمایت و جمع‌آوری کشورهای حوزه خلیج فارس در یک اتحادیه و سازمان جهت مقابله با ایران و عراق (دو کشور تندروی منطقه از نظر آمریکا) و سوم، راه‌اندازی جنگ روانی و تبلیغات منفی بر علیه ایران در کشورهای منطقه و چهارم، تغییر سیاستهای بی‌درپی نسبت به منطقه خاورمیانه را در پیش گرفت.